

مطالعه ژانر سینمایی وحشت فولکلور^۱ با تحلیل دو فیلم «پوست» از ایران و «ساحره^۲» از سینمای آمریکا و انگلستان

زهرا ابراهیمیان^۳

فارغ‌التحصیل کارشناسی ارشد در رشته پژوهش هنر از دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم تحقیقات

چکیده

بررسی آثار سینمایی در ژانرهای گوناگون یکی از ابزارهای مطالعات فرهنگی است. با توجه به گوناگونی فرهنگی و گستردگی سینما در سرتاسر جهان، مطالعه آثار سینمایی از نقطه نظر دیدگاه‌های تازه و جدید می‌تواند به رهیافت‌های نویی در زمینه شناخت فرهنگی و تاریخی یک ملت بینجامد. سینمای وحشت با توجه به خرده‌ژانرهای خود در این زمینه یکی از منابع مفید و قابل تأمل است. یکی از این خرده‌ژانرها، سینمای وحشت فولکلور است که در سال‌های اخیر مورد توجه قرار گرفته و آثار قابل تأملی در آن ساخته شده است. در این ژانر به خوبی می‌توان ردّ هویت فرهنگی و قومی ملت‌ها را دنبال کرد. در فیلم‌های ژانر وحشت اسطوره‌ها و داستان‌های فولکلور تبلور پیدا می‌کنند و مذهب و ویژگی‌های اقلیمی در پرورش ایده اصلی فیلمساز بسیار تأثیرگذارند. در سال‌های اخیر فیلم‌های قابل تأملی چه در سینمای جهان و چه در سینمای ایران در این ژانر ساخته شده است. در این تحقیق با استفاده

از دو فیلم «پوست» به کارگردانی بهمن و بهرام ارک از سینمای ایران و فیلم «ساحره» به کارگردانی رابرت اِگِرز^۴ به معرفی و بررسی ژانر وحشت فولکلور می‌پردازیم. در این تحقیق به دنبال پاسخگویی به این سؤال‌ها هستیم: این ژانر سینمایی چه ویژگی‌های بارزی دارد و در فرهنگ‌ها و کشورهای گوناگون چگونه بروز پیدا می‌کند؟ فیلم‌های ساخته‌شده در این جریان هنری نمایش‌دهنده چه عناصر و المان‌های فرهنگی، تاریخی و اسطوره‌ای هستند؟ چه شباهت‌ها و تفاوت‌هایی با هم دارند؟ به چه شکل می‌توان از این عناصر در تحلیل‌های فرهنگی و حتی اجتماعی جوامع استفاده کرد؟ با توجه به نتایج به دست آمده در این تحقیق، این ژانر سینمایی پتانسیل بسیار بالایی برای مطالعات فرهنگی و فولکلور را داراست و می‌توان با تحلیل درست و بررسی لایه‌های عمیق این آثار سینمایی به شناخت جدیدی در زمینه اسطوره‌ها، مذهب و عقاید و باورهای کهنی که از گذشته و تا به امروز در میان مردمان مناطق دوردست رواج دارند، پرداخت. این تحقیق با استفاده از منابع کتابخانه‌ای و به روش تحلیلی و مشاهده آثار سینمایی صورت گرفته است.

کلمات کلیدی: سینمای وحشت، مطالعه فرهنگی، ژانر وحشت فولکلور، فیلم «پوست»، فیلم «ساحره».

³ . roya.ebrahimain87@gmail.com

⁴ Robert Eggers

¹ Folk Horror

² The Witch

مقدمه

وجود ندارد و گاه در یک اثر از عناصر هردو، بیش و کم استفاده می‌شود (شهلا، رضا، ۱۳۹۱، ۲۸).

ژانرها هیچ‌گاه ثابت و از پیش مقرر نیستند. ژانرها در گذر زمان تکامل می‌یابند، تغییر می‌کنند و ترکیب می‌شوند تا واریاسیون‌های مختلفی از یک مضمون را به بینندگان خود ارائه دهند. شاید دلیل تنوع گسترده ژانر وحشت همین باشد: این ژانر زمان طولانی، از اولین سال‌های سینما تا زمان حال، پایدار مانده است و از منابع بسیار متفاوتی نشئت می‌گیرد که سبب به‌وجود آمدن مجموعه‌ای به شدت متنوع از خرده‌ژانرها است. عمر دراز سینمای وحشت (در حال حاضر بیش از ۱۰۰ سال و ناگفته نماند که داستان‌های ترسناک قدمتی به درازای عمر بشریت دارند) بدین معناست که این ژانر مدام رو به تکامل بوده و به شاخه‌ها و انشعابات بسیاری شکل داده است (چری، بریچید، ۱۳۹۷، ۷-۸).

سینمای وحشت چه در سینمای جریان اصلی، چه در قالب سینمای کالت، در حواشی فرهنگ فیلم دوام می‌یابد. در مقیاس گسترده‌تر فرهنگ عامه، وحشت در زمینه‌های هنر و سرگرمی نیز سنتی قوی و جاافتاده دارد. ژانر وحشت ژانری مولد و پایدار در تلویزیون، ادبیات، کتاب‌های مصور و تئاتر است (همان، ۳۶-۳۷).

خرده ژانر وحشت فولکلور با اینکه از دهه ۷۰ میلادی وارد سینما شده است؛ اما تا سال‌های اخیر و از دهه ۲۰۰۰ به بعد است که وارد تعاریف و دسته‌بندی‌ها قرار گرفته است. این دسته از فیلم‌ها به دلیل گستره مضمونی که شامل فرهنگ فولکلور، اسطوره‌ای و ابعاد گوناگون فرهنگی و تاریخی هستند به تحلیل‌ها و بررسی‌های دقیق و عمیق‌تر و پرداختن به لایه‌های زیرین نیازمند است. این تحقیق با طرح این سؤال‌ها آغاز می‌شود: این ژانر سینمای چه ویژگی‌های بارزی دارد و در فرهنگ‌ها و کشورهای گوناگون چگونه بروز پیدا می‌کند؟ فیلم‌های ساخته شده در این جریان هنری نمایش‌دهنده چه عناصر و المان‌های فرهنگی، تاریخی و اسطوره‌ای هستند؟ چه شباهت‌ها و تفاوت‌هایی با هم دارند؟ به چه شکل می‌توان از این عناصر در تحلیل‌های فرهنگی و حتی اجتماعی در میان جوامع استفاده کرد؟ برای بررسی و پاسخ به این سؤالات و پرداختن به سینمای وحشت فولکلور در این تحقیق به تحلیل دو فیلم نمونه در این ژانر می‌پردازیم، فیلم «پوست» به کارگردانی بهمن و بهرام ارک از سینمای ایران و فیلم «ساحره» به کارگردانی رابرت اگریز محصول آمریکا و انگلستان.

سینمای وحشت از همان سال‌های ابتدایی شروع سینما و ساخت اولین فیلم‌ها در دهه ۱۹۲۰ آغاز به کار کرد. این دسته از فیلم‌ها با هدف ترساندن و ایجاد وحشت در تماشاگر در ذهن بیننده ماندگار می‌شوند و از لحاظ عاطفی و روانی آن‌ها را درگیر می‌کنند. برخلاف تصور رایج و عوامانه این دسته از فیلم‌ها فقط برای هیجان‌ات لحظه‌ای ساخته نمی‌شوند. فیلم‌های مشهور و بزرگی در این ژانر قرار می‌گیرند که کارگردان‌های بزرگ و مؤلفی از خرده ژانرهای این سینما برای بیان مسائل عمیق انسانی بهره گرفته‌اند. یکی از خرده‌ژانرهای سینمای وحشت که در سال‌های اخیر بروز پیدا کرده، سینمای وحشت فولکلور^۱ است. مفاهیم سینمای وحشت فولکلور از ترس‌های اجتماعی و جمعی انسان‌ها سرچشمه می‌گیرند. این سبک از فیلم‌های سینمایی به دنبال ترساندن صرف بیننده نیستند؛ اما مفهوم ترس و اثرات آن بر جنبه‌های شخصی و اجتماعی زندگی شخصیت‌ها در فیلم مورد کنکاش قرار می‌گیرد.

ترس را می‌توان یکی از محوری‌ترین مفاهیم حوزه‌های معنایی دانست که برگرفته از واژه یونانی (phobos) و به معنای احساسی است منفی که از تهدیدی دریافت نشده نشئت می‌گیرد و از دیرباز در آثار اندیشه‌ورزان حضور داشته و موضوع تأمل آن‌ها به شمار می‌رفته است. یونانیان باستان ترس را در کنار شرف و علاقه یکی از سه محرک اصلی انسانی می‌دانستند (صادقی‌پور، ۱۴۰۲-۱۹).

ترس و وحشت در گونه‌های متفاوت هنری توسط هنرمندان علاقه‌مند به آثار هنری تبدیل شده‌اند. وجه مشخصه این تنوع و تکرار محض قراردادهای پیرنگ‌ها و سبک‌هاست. یکی از ژانرهای همیشه دوست‌داشتنی تاریخ سینما، گونه وحشت است. این گونه از سال‌های ابتدایی تولد سینما توسط اکسپرسیونیست‌های آلمانی مورد توجه قرار گرفت و تا به امروز هم طرفداران خاص خود را دارد. فیلم‌های این ژانر به‌طور کلی در دو دسته طبقه‌بندی می‌شوند: دسته اول، آن‌هایی که تنها با تأکید بر فرم و عینی‌سازی ترس، سعی بر ترساندن بیننده دارند و عمدتاً وحشت را در قالبی جسمانی (مانند موجودات غیرعادی و بعضاً هیولوار) ارائه می‌کنند. دسته دوم، بیشتر از فرم به دنبال هیبت‌های ماورایی و مفهوم ذاتی ترس هستند و نمایش جسمانی ترس در آنان کمتر دیده می‌شود. در این دسته از فیلم‌ها که عمدتاً در تعامل با خواب‌ها و ضمیر ناخودآگاهند، تماشاگر با فضایی ذهنی سروکار دارد. در واقع، می‌توان گفت که فیلم‌های دسته دوم در قیاس با دسته اول بیشتر درون‌گرایانه و ذهنی هستند. البته لزوماً مرز مشخصی میان این دو گروه

¹ folk horror

و عناصری که ریشه در باورها، آیین‌های مردمی و مذهبی است، نوع متفاوتی از ترس را در بیننده ایجاد می‌کنند که ماندگارتر و عمیق‌تر هستند. همان‌طور که اسطوره‌ها ریشه در باورها و اعتقادات انسان‌ها به نیروهای فراتر از قدرت انسانی هستند و مردمان از آن‌ها برای باورپذیر کردن رخدادهای طبیعی و غیرطبیعی استفاده می‌کردند. ریشه وحشت و تصورات ترسناک انسان‌ها نیز در ناتوانی آن‌ها در روبه‌رویی با اتفاقات تلخ و هولناک زندگی‌شان است و در ژانر وحشت فولکلور حضور اسطوره‌ها و باورهای کهن ملل را نیز شاهد هستیم. وحشت فولکلور که از دل داستان‌های شفاهی و عامیانهٔ مردمان تبلور یافته است، یکی از منابع باارزش مطالعات فرهنگی و اجتماعی است.

رویکرد دوگانه در ژانر وحشت یکی دیگر از نکاتی است که مورد توجه است. هر عنصری در این ژانر می‌تواند بسته به نگاه سازنده به نیروی خیر یا شر تبدیل شود؛ اما برخی از ویژگی‌های این ژانر ثابت هستند؛ مانند جادوگران که به دنبال جوانان و کودکان هستند تا از آن‌ها تغذیه کنند، این دو فرد نماد شادابی و طروات هستند. انسان‌هایی که توان دفاع آنچنانی از خود ندارند و زمانی که به دام جادوگران می‌افتند و با این اتفاق وحشت و ترس همه جا فرامی‌گیرد. میزان باور و اعتقاد به نیروهای ماورالطبیعه نیز یکی دیگر از نکاتی است که غالباً در این ژانر برای دسته‌بندی انسان‌ها استفاده می‌شود. انسان‌هایی که به این نیروها اعتقاد دارند در یک دسته قرار می‌گیرند و گاهی در برابر هم صف‌کشی می‌کنند.

زندگی در روستاها و در دامان طبیعت، در هنگام شب تفاوت بسیاری با زمانی که روز است و همه‌جا روشن است دارد. روز و روشنایی نماد پیروزی خیر بر شر و رانده شدن شیاطین و اجنه‌ها هستند؛ اما با آمدن شب، همه چیز وارونه می‌شود و انسان‌ها ترکیب شب و تاریکی را با یکدیگر یکی می‌انگارند و آن را جایی برای ظهور و بازگشت نیروهای بدی می‌دانند که قدرتی در برابر آن ندارند؛ اما یکی از راه‌هایی که انسان‌ها برای غلبه بر شر از گذشته‌های دور در پیش گرفته‌اند، استفاده از طلسم‌ها و موجودات عجیب و خیالی‌اند.

حداقل از سال ۲۰۱۰، منتقدان به دنبال تعریف وحشت فولکلور، درک ویژگی‌های آن، بیان نکات و عوامل آن با تمرکز روی سه فیلمی که در کانون توجه این ژانر قرار دارند، هستند. این سه فیلم عبارتند از: ژنرال یابنده جادوگر^۲ (مایکل ریوز^۳ ۱۹۶۸)، خون روی پنجه‌های

در زمینهٔ فیلم‌های ترسناک و سینمای وحشت مقالات متعددی به چاپ رسیده است؛ از جمله مقالهٔ «تحلیل سینمای خشونت؛ بررسی ژانر وحشت و خشونت در سینما» به قلم رضا شهلا که با روندی رو به جلو از ابتدا سینمای وحشت را معرفی می‌کند و در ادامه گونه‌ها و فیلم‌های تأثیرگذار این ژانر را معرفی می‌کند. در نمونه‌ای دیگر، فرزاد عظیم بیک در مقالهٔ «ترس ابدی، وحشت تاریخی، دربارهٔ سینمای وحشت، فانتزی و ترسناک وایمار و فیلم‌های کمتر دیده‌شدهٔ این ژانر» به معرفی و بررسی ژانر وحشت در سینمای وایمار می‌پردازد و چند فیلم مهم و تأثیرگذار سینمای وایمار را معرفی و تحلیل می‌کند. مقالهٔ «فرزندان نور، بحثی در مرزهای ژانری سینمای علمی تخیلی و وحشت» به ترجمهٔ سعید خاموش به تفاوت میان سینمای وحشت و سینمای علمی تخیلی می‌پردازد و بیان می‌کند که فیلم وحشت‌آور دست شما را می‌گیرد و به اعماق می‌برد و چیزی دربارهٔ چشم‌انداز نشان‌تان می‌دهد، حالتی که با کرون (افسانه‌های یونان) در ارتباط است و تجربه کردن وحشت، به سفری در قلمروی مردگان؛ با این تفاوت که این قایق در نهایت شما را به خانه برمی‌گرداند. از کتاب‌های چاپ شده در زمینهٔ سینمای وحشت، کتاب «هیولای هستی، سفری با هایدگر در راه سینمای ترس آگاهانه» به نویسندگی محمدصادق صادقی‌پور است که به سینمای وحشت نگاهی فلسفی دارد و به المان‌های فلسفهٔ هایدگر در سینمای وحشت می‌پردازد. کتاب دیگر در این زمینه «ژانر وحشت» به نویسندگی بریجید چری و ترجمهٔ شاهین رحمانی است که ژانر وحشت را بررسی می‌کند. در این کتاب تحلیل کاملی از ژانر وحشت صورت می‌گیرد و ویژگی‌ها و عوامل مؤثر بر سینمای وحشت معرفی می‌شوند و ویژگی‌های مهم و اساسی این سینما تحلیل می‌شود.

از آنجاکه این تحقیق به‌طور ویژه به سینمای وحشت فولکلور با تحلیل دو فیلم «پوست» و «ساحره» از آمریکا و انگلستان می‌پردازد، تا به امروز تحقیقی در این زمینه با محوریت این دو فیلم صورت نگرفته است.

روش و چهارچوب نظری

این تحقیق به روش تحلیل محتوایی و مشاهدهٔ آثار سینمایی که نمایندهٔ ژانر وحشت فولکلور هستند، انجام می‌گیرد و از منابع کتابخانه‌ای نیز بهره گرفته شده است.

ژانر وحشت فولکلور

سینمای وحشت در سال‌های اخیر برای عبور از تکرار و دمیدن روح تازه‌ای به این ژانر به دنبال ایده‌های نو و جدیدی است و یکی از بهترین این ایده‌ها، وحشت فولکلور است. وحشت فولکلور با استفاده از المان‌ها

³ Michael Reeves

² Witchfinder General

می‌کردند که امر مصنوعی و عقلانی را به بهای هزینه‌هایی طبیعی و معنوی تعالی می‌داد.»

«ریشه وحشت عامیانه در پیوند با جامعه محلی و داستان‌های محلی است». وحشت فولکلور با گذشته به‌عنوان یک آسیب پارانوئید و انحراف از معیار طبیعی رفتار می‌کند. آسیبی که بازتاب روزمرگی است، به‌ویژه زمانی که عناصر گذشته را با سهولت ناراحت‌کننده‌ای در زمان حال می‌آوریم (همان، ۶۷).

فیلم پوست (دری)

فیلم «پوست» به نویسندگی و کارگردانی برادران ارک در سال ۱۳۹۷ ساخته شد و در سال ۱۴۰۰ به اکران عمومی درآمد. فیلم در روستای باویل شهرستان اسکو در آذربایجان غربی و به زبان آذری فیلمبرداری شده است.

داستان از جایی آغاز می‌شود که فردی به نام سید از روی درختی می‌افتد و بیمار می‌شود. همسر سید، مارال است. در ادامه ما با آراز، شخصیت اصلی فیلم همراه می‌شویم، این مرد ابتدا عاشق مارال بوده است. با مرگ سید، علاقه و اشتیاق آراز به مارال دوباره شعله‌ور می‌شود؛ اما مادر آراز از ابتدا مخالف مارال بوده و برای اینکه این دو جوان به هم نرسند، او را طلسم کرده است. آراز وقتی این موضوع را متوجه می‌شود، برای از بین بردن طلسم تلاش می‌کند؛ اما هرچه از مادرش دوری می‌کند و برای رسیدن به مارال تلاش می‌کند، حال مادرش وخیم‌تر می‌شود.

تحلیل فیلم پوست

در کشورهایی مانند ایران که پیشینه و سابقه کهنی دارند، ریشه‌ها و اعتقادات لایه‌های عمیقی دارند و از نسلی به نسل دیگر روی هم انباشته شده‌اند. علاوه بر آن، به دلیل گستردگی جغرافیایی، هر قومی باورهای مختص به خود را دارد که می‌تواند ریشه‌های منطقه‌ای یا قومی خود را داشته باشند. باورها و اعتقادات به عوامل ماورالطبیعی دسته‌بندی‌های گوناگونی دارند: موجودات خیالی و غیرواقعی، اتفاقات غیرمترقبه، نمادها و نشانه‌های رمزی و... در دسته‌بندی خرافات و باورهای عامیانه موجودات فراطبیعی که قدرتی بیشتر از انسان دارند همیشه حضور داشته‌اند. این موجودات دارای ویژگی‌های گوناگونی

شیطان^۴ (پیپرس هاگارد^۵، ۱۹۷۱) و مرد حصیری^۶ (رابین هاردی^۷، ۱۹۷۳).

در دهه‌های ۶۰ و ۷۰ میلادی شاهد چیزی هستیم که «موج اول» وحشت عامیانه در سینما، داستان و تلویزیون نامیده می‌شود. علاوه بر این منتقدان به دنبال یافتن ریشه‌های این ژانر در سال‌های دورتر در اواخر قرن نوزدهم و اوایل قرن بیستم هستند. در همین زمان، کارگردانان و نویسندگان در قرن بیست و یکم این ژانر را دوباره ابداع کردند و مفهوم «وحشت عامیانه» را گسترش و عمق دادند.

وحشت فولکلور و مسیرهای جهانی جدید آن

عناصر و قوانین حاکم بر پیرامون وحشت فولکلور می‌تواند در تمام جوامع تاریخی و جهانی دنبال شود. وحشت فولکلور از ترس‌های اجتماعی و جمعی سرچشمه می‌گیرد. و به این ترتیب، می‌توان تصور کرد که باید جهانی باشد و جوامع متفاوت فرهنگی و اجتماعی در آن حضور داشته باشند (Keetley, Dawn. Heholt, Ruth. ۲۰۰۳، ۲۲).

ژانر وحشت فولکلور، دامنه وسیعی از خرافات و فرهنگ عامیانه را دربرمی‌گیرد؛ اما از آنجا که این باورها ریشه در فرهنگ هر ملت و کشوری دارد، می‌تواند شباهت‌ها و تفاوت‌هایی باهم داشته باشند.

در سال ۲۰۱۷ آدام اسکاولز^۸ در بیانیه‌ای به نام «ساعت‌های وحشت و رعب و چیزهای عجیب»^۹ مفهوم «زنجیره وحشت فولکلور» را مطرح کرد و چهار ویژگی سازنده آن را توصیف کرد: چشم‌انداز، انزوا، ناهنجاری اخلاقی (به‌خاطر جامعه منزوی) و اوج آن احضار یا اتفاقی غیرمعمول. خیلی از منتقدان این اصول را دنبال کرده‌اند و این چهار اصل به پارادایم‌های ثابت این ژانر تبدیل شده‌اند (همان، ۲۲-۲۳).

مطالعه فولکلور در ابتدا به دنبال جمع‌آوری نمونه‌هایی از آداب و رسوم «عجیب» و قدیمی از میان دهقانان روستایی بود. «فولک» مردمی که در حاشیه جوامع اروپایی قرار دارند، اعتقاد بر این است که آن‌ها با قلبی «پاک‌تر» فرهنگ را حفظ می‌کنند. در اواخر قرن نوزدهم در آلمان، الیوت اورینگ^{۱۰} می‌نویسد، «رمانتیک‌ها از ظهور تمدنی ناله

⁸ Adam Scovell's

⁹ Folk Horror: Hours Dreadful and Things Strange

¹⁰ Eliot Oring

⁴ The Blood on Satan's Claw

⁵ Piers Haggard

⁶ The Wicker Man

⁷ Robin Hardy



هستند که همه آن‌ها پایه و اساس غیرواقعی دارند. اجنه، بختک و غیره چند نمونه از این موجودات هستند.

از سویی دیگر، می‌توان بیان کرد که وحشت و ترس فولکلور در روستاها ریشه در تنهایی و انزوا و ناتوانی روستاییان در برابر عوامل طبیعی است. زندگی در روستاها همیشه وابسته به طبیعت بوده و ارتباط درست و محترمانه با طبیعت یکی از راه‌های رسیدن به زندگی مطلوب است. بی‌احترامی و نقض قوانین طبیعت می‌تواند عواقب خطرناکی برای انسان‌ها داشته باشد. انسان‌هایی که مورد خشم طبیعت قرار می‌گیرند، برای دفع بلا، ترس و وحشت خود به دامان جنگیران می‌روند و از باورهای خرافی بهره می‌گیرند. در ابتدا این باورها به انسان‌ها یاری می‌رساند؛ اما در ادامه هرچه این باورها قدرت می‌گیرند، انسان‌ها ضعیف‌تر و ناتوان‌تر می‌شوند و به شدت احساس ناامنی می‌کنند. همین حس ناامنی باعث آسیب‌پذیر شدن آن‌ها می‌شود.

در حقیقت اعتقاد و باور به خرافات مانند تیغی دولبه عمل می‌کنند. حفظ و احیای زندگی در دنیای ماورالطبیعه می‌تواند لطمات وحشتناکی در دنیای واقعی به بار بیاورد. به حدی که انسان‌ها را به فساد می‌کشاند و به تاریک‌ترین افکارشان اجازه ابراز وجود می‌دهد. در برخی موارد حتی انسان با شیاطین و اجنه همراه می‌شود و آن‌ها را همدم خود حس می‌کند و به دنیای شیطانی و شر اجازه بروز و داوری می‌دهد. در این مرحله انسان به درون تباهی و شرارت سقوط می‌کند.

در فیلم «پوست» مادر با عشق مادرانه خود می‌خواهد تنها فرزند و پسر خودش را از بلا در امان بدارد، زندگی سخت و بی‌وفایی همسرش به او با اختیار کردن همسر دوم، این زن را آسیب‌پذیر کرده است. وابستگی او به پسرش نه تنها ریشه در همین شکست‌ها و ترس‌ها دارد؛ بلکه دین و آیین متفاوت مارال که مسیحی است نیز بر ترس او دامن زده است. پسر او به باورها و خرافات مادرش اعتقادی ندارد و از آنجا که مارال، دختری مسیحی است که به او علاقه‌مند است ازدواج کرده است در ناامیدی به سر می‌برد؛ اما در پی بیمار شدن همسر مارال، او دوباره جانی تازه می‌یابد تا بتواند به مارال نزدیک شود. در همین زمان، مادر او از این موضوع خبردار می‌شود و برای دور کردن پسرش از مارال سعی میکند از طلسم‌ها و موجودات شیطانی کمک بخواند. در ابتدای فیلم، در تیتراژ نیز این طلسم‌ها را می‌بینیم؛ اما هرچه آراز به مارال بیشتر فکر می‌کند، مادرش بیمارتر می‌شود و به دام اجنه گرفتار می‌شود. مادر خود را در حصار آن‌ها می‌بیند و نمی‌تواند بدون کمک گرفتن از جن‌گیر به زندگی بازگردد. نکته قابل توجه در فیلم پوست تنهایی و انزوای پسر است که در نهایت سبب می‌شود او نیز مانند مادرش به خرافات اعتقاد پیدا کند و در انتهای فیلم جن‌ها را ببیند؛ اما در تصمیمی که با خود می‌گیرد، سرانجام پوست شیر را بر تن می‌کند و به این شکل پیام اصلی فیلم بیان می‌شود. برای اولین بار آراز طلسم‌ها و جادوها را باطل می‌کند و خیر پیروز می‌شود و اوست که با این تصمیم هویت خود را باز می‌یابد.

فیلم «ساحره»

فیلم ساحره، اولین فیلم رابرت آگرس محصول ۲۰۱۵ از کشور آمریکا و انگلیس است. نام دیگر فیلم «افسانه‌ای محلی از نیویورک» است.

داستان فیلم درباره خانواده‌ای در نیویورک در اوایل قرن شانزدهم است که در جامعه‌ای با اعتقادات مذهبی خاصی زندگی می‌کنند؛ اما به دنبال نزاعی مذهبی از این جامعه طرد می‌شوند. اعضای این خانواده هفت نفره ناچار می‌شوند به حاشیه جنگلی مرموز بروند و در آنجا زندگی جدیدی را آغاز کنند. توماسین، بزرگ‌ترین فرزند خانواده، مسئول نگهداری از ساموئل، نوزاد خانواده است؛ اما در طی یک بازی ناگهان ساموئل ناپدید می‌شود. همه توماسین را مسئول این اتفاق می‌دانند. ناپدید شدن ساموئل اتفاقات عجیب دیگری را به دنبال دارد؛ دوقلوها شروع می‌کنند با بز سیاهی به نام کیلب صحبت می‌کنند و آن را به مزرعه می‌آورند. در ادامه فیلم، ویلیام با توماسین به جنگل می‌روند و او گم می‌شود و به دام جادوگری در جنگل گرفتار می‌شود. هرچه فیلم جلوتر می‌رود، اعضای بیشتری از خانواده درگیر اتفاقات عجیب و هولناکی می‌شوند.

تحلیل فیلم «ساحره»

در زیر لایه‌های فیلم ساحره چیزی عجیب و دلهره‌آور نهفته است؛ داستانی از مردمانی که از خدا می‌ترسند و با خیال‌پردازی‌های پیچیده فولکلور و محلی، رازهای تاریک‌تر خود را پنهان می‌کنند. ما با خانواده‌ای روبه‌رو هستیم که در محاصره قرار گرفته‌اند، جامعه کوچک خود را در تنهایی ترک کرده‌اند و دور از تمدن زندگی جدیدی را آغاز می‌کنند. وقتی آن‌ها شهر را ترک می‌کنند، آواز پس‌زمینه را می‌شنویم «اعتراف خواهیم کرد...»، و در همین زمان ما نمایه‌ای از اعضای این خانواده را می‌بینیم که به زمینی بیگانه قدم برمی‌دارند. (فیلم را می‌توان این‌گونه تصور کرد که حتی در این‌گونه ساخته شده باشد و نمادی از تمام مردمان طرد شده است که برای ادامه حیات خود به سمت ناشناخته‌ها قدم برمی‌دارند (Kermode, Mark, ۲۰۱۶).

جادوگر، فیلمی روانشناختی است که باورها و اعتقادات را مبنای داستان خود قرار داده است و با دستاویز کردن و به امتحان کشاندن این باورها تک‌تک شخصیت‌ها را بدون در نظر گرفتن سن‌وسال و جنسیت‌شان مورد امتحان قرار می‌دهد. امتحان الهی و پایبندی به اصول و قواعد مذهبی سنجشی برای ورود به بهشت و دوری از شیطان است. این خانواده با اینکه از جامعه و شهر خود رانده شده‌اند؛ اما به قضاوت آن‌ها اعتقادی ندارند و در انزوا و دوری از مردمان دیگر به ایمان خود پایبند هستند و مناسک مذهبی‌شان را برگزار می‌کنند. این همان نکته اصلی فیلم است، اعتقاد و باوری که کم‌کم با اتفاقات دیگر به‌خصوص ورود حیوانات مرموز و عجیب سست می‌شود. همه اعضای خانواده با اینکه در کنار یکدیگر زندگی می‌کنند؛ اما در باطن و کنه

در دو فیلم عنوان شده‌اند هم به‌عنوان ویژگی‌های دیگر تأثیرگذار در این ژانر معرفی می‌شوند.

چشم‌انداز (لوکیشن)

در حالی که بسیاری از مضامین وحشت فولکلور را می‌توان با ژانر وحشت سوپر‌نچرال مقایسه کرد؛ اما این ژانر چند تفاوت اصلی دارد که یکی از آن‌ها چشم‌انداز یا موقعیت مکانی است. می‌شود بیان کرد که موقعیت مکانی در فیلم‌های ژانر وحشت خود به یکی از شخصیت‌های اصلی فیلم تبدیل می‌شوند، این مکان‌ها عبارتند از: دهکده‌های منزوی، مزارع بایر و جنگل‌های انبوه و تاریک هستند که همگی آن‌ها میزبان موجودات فولکلوری هستند که قربانی‌ها، آیین‌ها و خرافات در این مکان‌ها ظاهر می‌شوند (Pilkington, Cathy, ۲۰۲۳).

در فیلم پوست، آراز و مادرش در روستایی در توابع آذربایجان غربی ساکن هستند، اطراف روستا زمین‌های کشاورزی است که از قدیم با خرافات و موجودات فراواقعی ارتباط داشته‌اند. در این روستای کوچک و دورافتاده، حتی میدان اصلی شهر که مغازه کیف فروشی آراز در آن قرار دارد نیز تاریک است و فضایی خوف‌آور دارد و مانند بقیه مکان‌های مورد نظر در فیلم بین خیال و واقعیت قرار می‌گیرد. انتخاب زوایای خاص دوربین فیلمبرداری نیز در این موضوع تأثیرگذار است، انتخاب زوایای فیلمبرداری از بالا، باعث محصور نشان دادن فضا شده است و احساس خفقان و تنگی را به بیننده القا می‌کند.

یکی دیگر از لوکیشن‌های متفاوت و غریب فیلم، خانه مارال است که در یک زمین کشاورزی قرار دارد، شی که آراز به خانه مارال می‌رود، خانه شکل طبیعی ندارد و گویی این خانه واقعی نیست و مارال در فکر و خیال آراز وجود دارد. مکان‌های موجود در فیلم پوست به گونه‌ای هستند که علاوه بر القای تنهایی و انزوا نمایانگر دنیای درونی شخصیت‌ها نیز هستند. در این مکان‌ها حضور طلسم‌ها و جادوها را می‌بینیم و به همین دلیل خانه‌ها و زمین‌ها هویت اصلی خود را از دست داده‌اند و در دستان جادوگرها و جن‌گیرها اسیر هستند.

در فیلم «ساحره» فضا و لوکیشن‌های فیلم نمادی از تبعید، دوری و سرزمین خطرناک است، وجود بچه‌های خردسال و نوزاد در فیلم، نمادی از ورود به دنیا و سرزمین ناشناخته و بیگانه است. خانه آن‌ها در میان جنگل انبوهی قرار گرفته است و فضای خالی که خانواده در ابتدای ورود خود به آنجا پای می‌گذارند، مانند تله و زمینی برای ارباب آن‌ها است. پاکداشتن به این زمین خالی از سکنه، مانند ورود به سرزمین ناشناخته‌ای است که برای ورود به آن باید به آن شناخت پیدا کنند. بچه‌ها با پاکی و صداقت خود در آن شروع به گشت‌وگذار می‌کنند و اولین قربانیان این زمین خوفناک هستند. وقتی توماسین و ویلیام وارد

وجودشان در شک و دودلی هستند؛ ولی برای حفظ اتحادشان این شک را از هم مخفی می‌کنند.

پدرومادر با اینکه به هم اعتماد دارند؛ اما پدر با اشتباهاتش مادر را نسبت به خود بی‌اعتماد می‌کند و با این اتفاق همه چیز بیشتر از قبل پیچیده می‌شود. شخصیت‌های کودک داستان با اینکه نماد پاکی و خلوص هستند؛ اما ضعیف‌ترین موجودات برای مقابله با شیطان هستند. آن‌ها در گذار از شهر و جامعه به انزوا بیشترین آسیب را می‌بینند و همین حس ناامنی سبب می‌شود زودتر در دام شیطان بیفتند.

المان‌های اصلی این فیلم که در فرهنگ فولکلور جای می‌گیرد، روستایی بودن این افراد است که با سادگی خود می‌خواهند بر مصائب و سختی‌هایی غلبه پیدا کنند که خارج از توان و درک آن‌هاست. حیوانات که بنا بر وعده الهی در خدمت انسان‌ها برای به دست آوردن رزق و روزی هستند، نماد اصلی شیطان می‌شوند. بز و خرگوشی که در فیلم حضور دارند، هردو سیاه‌رنگ هستند و با اینکه پدر به آن‌ها حس خوبی ندارد؛ اما بچه‌ها با آن‌ها اخت شده‌اند.

زمانی که اعضای خانواده سعی می‌کنند از دین و اعتقاداتشان برای غلبه بر مشکلات و نجات ویلیام استفاده کنند، سرانجام همبستگی آن‌ها چاره‌ساز می‌شود و ویلیام سبب وسوسه‌انگیز تاریخ بشر را به بیرون پس می‌دهد و در حالی که ذکر الهی می‌گوید، می‌میرد.

در اواخر فیلم، کلاغ ظاهر می‌شود و از سینه مادر می‌مکد و مادر که در اوج استیصال و درماندگی است تصور می‌کند که آن کلاغ کودک ربوده شده‌اش است. او با شیر دادن به کلاغ، حس مادری ناکام مانده خود را ارضا می‌کند. در حقیقت در تمام بخش‌های فیلم شاهد این هستیم که افراد این خانواده که مردمانی ساده‌دل بوده‌اند و تنها نیرویی که در خود داشتند، اعتقادات پاکشان بوده است، نمی‌تواند آن‌ها را به رستگاری برساند و آن‌ها در اولین مصیبت‌ها و مشقات زندگی تسلیم می‌شوند. باور به خرافات و احساس ضعف و ناتوانی عامل اصلی تسلط شیطان بر این خانواده است.

عناصر ژانر وحشت فولکلور در دو فیلم «پوست» و «ساحره»

بنابر اصول و قواعدی که در ابتدای مقاله بیان شد، فیلم‌های ژانر وحشت فولکلور به‌طور کلی دارای چهار ویژگی ثابت هستند که برای تحلیل این ژانر استفاده می‌گردند. این چهار ویژگی: چشم‌انداز، انزوا، ناهنجاری اخلاقی (به‌خاطر جامعه منزوی) و اوج آن احضار یا اتفاقی غیرمعمول به ترتیب در این دو فیلم بیان می‌شوند و نشانه‌ها و ویژگی‌های دیگری که بنا بر مختصات جغرافیایی و فرهنگی حاکم بر فولکلور ایران و اروپا

جنگل می‌شوند، میزبان اصلی آن خود را نشان می‌دهند، جادوگری که در جنگل کمین کرده است تا ویلیام را به دام خود بیندازد. جنگل مأمی برای موجوداتی است که آن‌ها هم از میان انسان‌ها طرد شده‌اند و در انزوا هستند. جنگل نشانی از بدویت و بازگشت به سوی طبیعت و اعتماد به آن است؛ اما در ساحره این واقعیت وارونه می‌شود و انسان با پیروی از حس کنجکاو خود مانند گناه اول آدم و حوا به جهانی قدم می‌گذارد که برای عبور از آن باید پاکی و نجابت خود را از دست بدهد.

انزوا

انزوا و گوشه‌گیری کردن از مردم، عامل مهمی در فیلم‌های وحشت فولکلور است. انزوا، بسته به داستان فیلم می‌تواند ابعاد و معانی متفاوتی داشته باشد. به‌طور کلی انزوا در این‌گونه از فیلم‌ها به معنای احساس طردشدگی و انسانی دورافتاده از جامعه‌ای معتبر است. این افراد به محض جدایی و دور افتادن از فضای اولیه، در مکان‌های جدید، به‌عنوان کسانی معرفی می‌شوند که از اعتقادات و زمینه‌های مذهبی خود جدا شده‌اند. با این کار آن‌ها ناخواسته وحشت را در قالب شیاطین باستانی به سمت خود دعوت می‌کنند (Maison, Jordan, ۲۰۲۲).

در این فیلم‌ها، افراد ناخواسته یا خودخواسته از جوامعی که در آن بوده‌اند طرد می‌شوند؛ اما گاهی اوقات این طردشدگی فیزیکی نیست، در واقع فرد با جامعه و افرادی که در آن زندگی می‌کرده است، احساس بیگانگی می‌کند.

در فیلم پوست، آراز با اینکه فروشنده است و با مردم و جامعه در ارتباط است؛ اما کسی که او هرروز می‌بیند مادرش است. مادری که به دنبال نگرهبانی و نگهداری او از اجنه و نیروهای شیطانی مانع ارتباط او با دیگران و به‌خصوص مارال دلدادۀ اوست. آراز با از دست دادن مارال، گوشه‌گیر می‌شود و در انزوا به سر می‌برد. دوری گزیدن از دیگران سبب می‌شود آراز به مادرش بیشتر پناه ببرد و به او ایمان پیدا کند؛ اما بعد از مرگ سید، همسر مارال، وقتی متوجه می‌شود که مادرش با طلسم‌ها او را از عشقش دور کرده است. سعی می‌کند از انزوا و تنهایی که برای خود درست کرده است، بیرون بیاید و با این کار شجاعتی که تا به آن روز در وجودش پنهان بوده است، دوباره نمایان می‌شود. گذر از تنهایی و بازگشت به جمع و به سوی مارال، پاداش عبور او از طلسم‌ها و شجاعتش است.

در فیلم «ساحره»، داستان دقیقاً از شروع انزوا و طردشدگی این خانواده آغاز می‌شود، خانواده‌ای که به‌خاطر انگ‌های الحادی از جامعه طرد می‌شوند. این موضوع علاوه بر بار روانی سبب می‌شود آن‌ها با پنج فرزندی که دارند با مشکلات مالی نیز روبه‌رو شوند. در این فیلم رابرت اگرز، کارگردان با قرار دادن مخاطب در این شرایط حتی او را به داوری دعوت می‌کند، آیا رفتار جامعه و شهری که این خانواده در آن ساکن بودند با آن‌ها عادلانه بوده است؟ آیا همه اعضای خانواده حتی اعضای

کوچک که هنوز قدرت تصمیم‌گیری ندارند، استحقاق عذاب کشیدن و دوری از شهر و مردم را دارند؟ در ادامه وقتی این خانواده به دنبال یافتن سرپناهی برای خود از شهر خارج می‌شوند و در میان جنگل برای خود خانه‌ای می‌سازند، این انزوا و دورافتادگی با اتفاقات عجیب و غریبی همراه می‌شود. تنهایی و سرخوردگی اجتماعی آسیب‌های روانی بسیاری را در پی دارد و افراد این خانواده زمانی که چیزهای خارج از عادت را می‌بینند؛ چون روزها و ساعت‌های بسیاری را در تنهایی به سر برده‌اند، نمی‌دانند که آیا این اتفاقات را تصور می‌کنند یا آن‌ها واقعیت دارند؟ گویی آن‌ها با منزوی شدن از انسان بودن نیز طرد شده‌اند.

انحراف اخلاقی (به‌خاطر جامعه منزوی)

در وحشت فولکلور، نیروهای منفی و شخصیت‌های بد افراد و موجوداتی هستند که از جامعه طرد شده‌اند، باورها و اعتقادات آن‌ها حتماً انحراف از اخلاقیات محسوب می‌شود. آن‌ها کشتن و قتل را به شکل آیینی سستی انجام می‌دهند. در عین حال که این افراد ممکن است در یک‌جا و در کنار هم زندگی کنند؛ اما همگی بیمار هستند و ارزش‌های طبیعی در بین آن‌ها حاکم نیست (Keetley, Dawn).

انحرافات اخلاقی به‌طور کلی شامل رفتار و عادت‌هایی است که به منظور نشان دادن وفاداری به شیطان و یاری طلبیدن از او صورت می‌گیرد. آنتاگونیست‌ها با پایبندی به آیین‌های غیراخلاقی و حتی غیرانسانی خود، کم‌کم خود به شیاطین تبدیل می‌شوند.

در فیلم پوست، مشکلات و ناگواری‌هایی که برای شخصیت مادر آراز رخ داده، باعث شده است که او به طلسم‌ها و باورهای خرافی باور پیدا کند. ناتوانی نشانه‌ اول رجوع به خرافات است. او به هرچیزی که مانع او و پسرش بشود، مشکوک و ظنین است و برای دور شدن از این موانع از نیروهای منفی کمک می‌طلبد. در ظاهر و در باور خودش آن‌ها را از عشق و علاقه به پسرش انجام می‌دهد؛ اما در واقعیت او پسرش را قربانی خواسته‌های خودخواهانه خود کرده است و نمی‌خواهد فرزندش از او دوربماند. مادر در این فیلم زنی بیمار و روان‌رنجور است که اعتقاداتش به حدی رسیده است که از دنیای واقعی بریده و به دنیای غیرواقعی که اجنه‌ها در آن همه کاره هستند، باور پیدا کرده است. همین باور او سبب می‌شود کم‌کم آراز نیز از دنیای واقعی دور شود و برای رسیدن به مارال پا به دنیای خرافات مادرش بگذارد.

در فیلم ساحره، ساحره‌ای که در جنگل سکنی دارد، نمادی از شخصیت منفی است که همه افراد خانواده از او می‌ترسند، او به‌طور مستقیم با آن‌ها روبه‌رو نمی‌شود مگر زمانی که آن‌ها به فضای او وارد می‌شوند. ویلیام که به دنبال خرگوش می‌رود، با او همبستر می‌شود و سپس بیمار و در شرف مرگ به پیش خانواده بازمی‌گردد، او دومین قربانی خانواده است. قربانی اول، نوزاد خانواده است که ناپدید می‌شود. او با فرستادن موجودات نمادین؛ مانند بز، خرگوش سیاه و کلاغ افراد

دیگر ویژگی‌های ژانر وحشت فولکلور

موسیقی:

موسیقی متن یکی از عناصر مؤثر در القای حس ترس و وحشت است و از دیرباز نقش موسیقی در ژانر وحشت انکار نشدنی است. در ژانر وحشت فولکلور هم موسیقی همین نقش را ایفا می‌کند، البته ویژگی‌های بومی و جلوه‌های صوتی خاصی را نیز دربرمی‌گیرد.

در فیلم پوست، با توجه به لوکیشن فیلم که یکی از شهرهای آذربایجان غربی است، فولکلور آذربایجان جنبه‌های گوناگونی از فرایندهای اجتماعی، تاریخی و آداب‌ورسوم مردم آذربایجان را در خود منعکس می‌کند. یکی از شاخه‌های مهم فولکلوریک موسیقی آذربایجان هنر «عاشیقی» است که جامع چندین هنر مهم از جمله شاعری، آهنگسازی، داستان‌گویی، نوازندگی، خوانندگی، بازیگری و لطیفه‌گویی است. عاشیق زایدۀ بطن اجتماع و سخنگوی جامعه است. او به همراه ساز خود در محافل، مجالس و قهوه‌خانه‌ها داستان‌های فولکلوریک را با آهنگ مخصوص می‌خواند (صبری، ۱۳۹۳). در فیلم پوست، عاشیق داستان آراز را هم‌زمان با پیشرفت فیلم می‌خواند و روایت داستان از زبان او صورت می‌گیرد و موسیقی و اجرای آن کاملاً بومی و سنتی است. با اینکه فضای فیلم واقعی و در زمان حال رخ می‌دهد؛ اما با حضور عاشیق گویا در حال شنیدن و دیدن داستانی از گذشته‌ها و تمثیلی هستیم.

در فیلم ساحره، مارک کورون^{۱۱} به سفارش آگرز به ساخت موسیقی متن متفاوتی برای این فیلم پرداخت. او بنا به خواست آگرز نمی‌توانست از موسیقی الکتریکی استفاده کند و چون می‌خواست موسیقی پرتنش و ناهنجاری بسازد، از سازهای خاصی استفاده کرد و همچنین سعی کرد از هارمونی‌های سنتی و ملودی‌های تکراری نیز استفاده نکند (سایت dreamusic). موسیقی دلهره‌آور و سازهای خاص باعث شده‌اند، فضای رعب‌آور فیلم با موسیقی هماهنگ شود و پیوندی مثال‌زدنی بین محیط و موسیقی شکل بگیرد.

اعتقادات مذهبی

حضور فرقه‌ها و نمادهایشان یکی دیگر از عوامل مؤثر در فیلم‌های ژانر وحشت و به‌خصوص ژانر وحشت فولکلور است؛ زیرا مذهب و سنت‌های آمیخته به آن همیشه در میان بومیان و افراد محلی سرزمین‌ها اهمیت و جایگاه ویژه‌ای داشته‌اند. اعتقادات و استمرار بر انجام آیین‌ها روح

خانواده را به سمت خود فرامی‌خواند. ساحره بچه‌ها را که ساده‌تر هستند و درکی از دنیای واقعی ندارند، ابتدا با خود همراه می‌کند؛ اما رفته‌رفته که خانواده شروع به متلاشی شدن می‌کند، افراد بزرگسال نیز ایمان خود را از دست می‌دهند و در نهایت توماسین به رقص با شیطان می‌پردازد. در این فیلم گویا شیطان می‌خواهد ثابت کند کسانی که طرد می‌شوند، راهی جز همراه شدن و اسیر شیطان شدن ندارند. شیطان، تاوان تنهایی و دوری از دیگران است.

احضار یا اتفاق غیرمعمول

یکی از مهم‌ترین عناصر ژانر وحشت فولکلور، اتفاقی غیرمعمول است که معمولاً در انتهای فیلم دیده می‌شود و بیننده را شوکه می‌کند و اثرگذاری اصلی فیلم در این لحظه رخ می‌دهد. این پایان‌بندی می‌تواند شامل یک عنصر ماورالطبیعی مانند دعوت از یک شیطان باشد یا ممکن است یک رویداد کاملاً طبیعی (که صرفاً کمتر وحشتناک نیست) مانند یک عمل خشونت‌آمیز یا یک قربانی آیینی (همان).

در فیلم پوست، در حین جشن عروسی زمانی که آراز شروع می‌کند، جن و آن موجود خیالی ترسناک و عجیب را می‌بیند، جنی که شبیه چیزی است که او برایش آشناست و مادرش بارها از آن برایش سخن گفته است، جن در حال ساز زدن است و گویا زندگی آراز این بار از زبان اجنه‌ها روایت می‌شود، پایان‌بندی اولیه فیلم رقم می‌خورد. آراز با او همراه می‌شود و به دنبالش می‌رود. در ابتدا تصور می‌شود که آراز تسلیم شیطان شده است؛ اما در نمای پایانی فیلم وقتی که آراز پوست شیر تعزیه را به تن می‌کند و همراه هیئت عزاداری می‌رود و مارال را در سکانس آخر می‌بینیم، متوجه می‌شویم که آراز بالاخره هویت خود را یافته است و برخلاف طلسم‌ها و خواست شیطان این بار خودش سرنوشتش را رقم می‌زدند و بر شیطان پیروز می‌شود.

در فیلم ساحره، در سکانس پایانی، زمانی که توماسین در طولیه است، بز سیاه که کیلب نام دارد، دوربین از رویش برداشته می‌شود و زمانی که دوباره او را می‌بینیم، او تبدیل به انسانی می‌شود که چکمه به پا دارد و کلاه کابویی. او دیگر بز نیست و به شکل واقعی‌اش برگشته است. شیطان با چهره عوض کردن، در این خانواده نفوذ کرده بود و بعد از قربانی کردن تمام اعضای خانواده تنها فرد باقیمانده را نیز با خود همراه می‌کند و به قلب جنگل به رقص با ساحره‌ها می‌برد، پیروزی مسلم شیطان.

¹¹ Mark Korven



احضار یا اتفاق غیرمعمول	همراه شدن با جن و سپس پوشیدن پوست شیر	بز سیاه توماسین را با خود همراه می‌کند
موسیقی	موسیقی سنتی آذربایجان و عاشیق	موسیقی رعب‌آور با سازهای به‌خصوص
اعتقادات مذهبی	مراسم عاشورا و پوشیدن پوست شیر	بز سیاه که نمادی از شیطان است

در هردو فیلم چشم‌انداز و لوکیشین به‌عنوان مکانی دورافتاده انتخاب شده‌اند. لوکیشین مکان اصلی فیلم‌ها است که وقایع اصلی در بستر آن رخ می‌دهند و حتی به‌عنوان یک شخصیت در نظر بینندگان ایفای نقش می‌کند. استفاده از دوربین و عوامل تکنیکی عامل مؤثر دیگری برای نشان دادن دورافتادگی مکان در هردو فیلم است.

انزوا؛ در هردو فیلم شخصیت‌های اصلی به‌واسطه طلسم یا بدخواهی از جامعه‌ای که در آن بوده‌اند طرد شده‌اند و به انزوا روی آورده‌اند. انزوا عامل اصلی برای روی گرداندن از مردمان و در خود فرورفتن و دیدن اوهام است. انزوا سبب می‌شود که ویژگی‌های انسانی این افراد از آن‌ها سلب شود.

انحراف اخلاقی: مشکلات مادر آراز و خانواده فیلم ساحره سبب می‌شود آن‌ها به راه‌های نادرستی روی بیاورند، انحراف از مسیر اخلاقی و درستی که دیگران به آن پایبند هستند؛ مانند فراخواندن شیطان به بالین خود است. معامله با شیطان و کمک خواستن از اجنه و ساحره یکی از نمادهای این انحراف اخلاقی است.

احضار یا اتفاق غیرمعمول: پایان‌بندی در فیلم‌های ژانر وحشت فولکلور حاوی پیام اصلی فیلم است و غافلگیری فیلم در این بخش رخ می‌دهد. در هردو فیلم این اتفاق را می‌بینیم؛ اما در فیلم پوست، آراز سرانجام با پوشیدن پوست شیر از دام شیطان رهایی می‌یابد و اجنه را از خود دور می‌کند؛ اما در فیلم ساحره برخلاف آن رخ می‌دهد و شیطان پیروز می‌شود و کل خانواده را با خود نابود می‌کند.

موسیقی: در فیلم پوست با توجه به استفاده از عاشیق و وفاداری به فرهنگ فولکلور منطقه آذربایجان بسیار تأثیرگذارتر از فیلم ساحره است. عاشیق در فیلم پوست هویتی فراتر از یک شخصیت است و بیانگر فرهنگ و هویت موسیقی این منطقه است.

اعتقادات مذهبی: در فیلم پوست با توجه به اینکه مذهب در ایران هنوز هم یکی از عوامل اثرگذار فرهنگی است، مخاطب مراسم عاشورا و پوشیدن لباس شیر را می‌تواند بهتر درک کند. مذهب در فیلم پوست پیروز می‌شود و آراز سرانجام از دام شیطان رهایی می‌یابد و همین

حاکم بر این جوامع کوچک و محلی است و آن‌ها با شرکت در این آیین‌ها همبستگی خود را با هم اعلام می‌کنند.

در فیلم پوست، مراسم عاشورا و شیر تعذیه یکی از عناصر مهم در فیلم هستند، فیلم با لباس شیر آغاز می‌شود و با آن هم به پایان می‌رسد. پوشیده شدن لباس تعزیه در ابتدای فیلم اشاره‌ای است استعاره‌ای از تضعیف نیروی خیر در مقابل شر. آراز در جایگاه عاشقی ناکام که شاهد ازدواج برادر کوچک خویش است، همچنان نابالغ می‌نماید. پس بی‌جهت نیست که می‌تواند از آیین‌های که پیر خردمند مقابل او قرار داده، چون کودکی پاک و معصوم، مادر و موجودات ماورایی مزاحم او را به چشم بصیرت تماشا کند. آراز میان عشق به مادر و عشق به مارال، سرگردان است. مادری تنها که تاب جدایی فرزند را ندارد و گویی به جادو متوسل می‌شود تا فرزند را برای پر کردن تنهایی خویش حفظ کند. باطل شدن جادو البته که موجب مرگ مادر خواهد شد و این برای آراز بسیار دردآور است. بنابراین بعد از تمامی آن آیین‌های باطل کردن جادو، آراز را می‌بینیم که بار دیگر به خارج شدن از جایگاه نمادین خویش مبادرت ورزیده و پوست شیر که اصلان نامیده می‌شود را بر تن می‌کند و قسمت مهمی از اجرای یک نمایش مذهبی می‌شود. لحظه‌ای که آراز می‌تواند دیگری شدن را تجربه کند و شاید از آن مهلکه بیرون آید (خدایی، ۱۴۰۰).

در فیلم ساحره، بلک فیلیپ نامی که دوقلوها به بز سیاه‌رنگ و مرموز فیلم داده‌اند، این نقش نمادین را ایفا می‌کند و درحقیقت خود شیطان است که در ابتدا به شکل حیوان به این خانواده وارد می‌شود و از آن‌ها تقاضاهایی می‌کند و در انتهای فیلم به شکل انسان ظاهر می‌شود.

تجزیه و تحلیل

با توجه به المان‌های تأثیرگذار در ژانر وحشت فولکلور در دو فیلم پوست و ساحره که معرفی و بیان شدند، در این بخش با توجه به جدول زیر به بررسی و مقایسه این ویژگی‌ها می‌پردازیم.

جدول ۱- بررسی عوامل مؤثر در ژانر وحشت به تفکیک در هردو فیلم «پوست» و «ساحره»

عناصر ژانر وحشت فولکلور	فیلم پوست	فیلم ویچ
چشم‌انداز (لوکیشن)	روستایی دورافتاده و منزوی	خانه‌ای در میان جنگل
انزوا	آراز توسط مادرش طلسم شده است	طرد خانواده توسط جامعه مذهبی شان
انحراف اخلاقی	مادر آراز با روی آوردن به طلسم	گرایش به ساحره جنگل

دارند، استفاده کرده‌اند. پوست که فیلمی با بودجه کم و متوسط توسط کارگردان‌های گمنام و تازه‌کاری است، توانست دریچه‌ای به مردمان روستایی آذربایجان بگشاید، دریچه‌ای برای شناخت ترس‌ها و بیم‌هایشان که ریشه در مشکلات شخصی و اجتماعی آن‌ها دارد. در فیلم ساحره نیز اگرز با نشان دادن جامعه‌ای در قرن شانزدهم، ریشه‌های مذهبی ترس‌های مردم نیوانگلند را بیان می‌کند. ریشه‌هایی که هرچند قدیمی هستند؛ اما بیننده هنوز می‌تواند آن‌ها را درک کند.

با توجه به بحث‌های مطرح‌شده می‌توان بیان کرد که ژانر وحشت فولکلور به دلیل استفاده از عناصر بومی وحشت در آن منطقه که فیلم در آن ساخته می‌شود، پیوندی با ادبیات، فرهنگ و هویت آن مردمان دارد و به همین دلیل روشی برای مطالعه فرهنگی و اجتماعی میان مردمان است. این ژانر پتانسیل بالایی را برای معرفی و مطالعه ریشه ترس‌ها و وحشت میان فرهنگ‌های دورافتاده که مورد بی‌توجهی قرار گرفته‌اند را داراست و نباید محدود به تحلیل‌های سطحی و ابتدایی ژانر وحشت شود.

تفاوت این دو فیلم است، مذهب و اعتقادات در فیلم پوست رهایی‌بخش هستند؛ اما در فیلم ساحره عامل اصلی دوری و شکست خانواده است.

نتیجه‌گیری

یکی از ویژگی‌های آثار سینمایی در هر ژانری، پرداخت به فرهنگ و تاریخ است. سینمای ژانر وحشت فولکلور به دلیل پرداختن به عناصر قومی و بومی یکی از نمونه‌های عالی برای مطالعات فرهنگی است. با تماشا و مطالعه این ژانر سینمایی می‌توان به لایه‌های عمیق‌تر ریشه‌های فرهنگی حاضر در فیلم‌ها پی برد. همراهی اسطوره‌ها و ادبیات در میان ملل مختلف امری ثابت بوده‌اند و در عصر حاضر این همراهی در سینمای ژانر وحشت فولکلور بروز پیدا کرده است. ادبیات وحشت فولکلور یکی از شاخه‌های ادبیات ترسناک است که ریشه در ادبیات شفاهی دارد و در طول تاریخ ادبیات بارها به آن پرداخته شده است؛ اما در سال‌های اخیر، وارد سینما شده است و به‌صورت ساختارمند مورد مطالعه قرار گرفته است.

فیلم‌سازان علاقه‌مند به این ژانر با استفاده از عوامل تأثیرگذار بر این ژانر که شامل: چشم‌انداز، انزوا، ناهنجاری اخلاقی (به‌خاطر جامعه منزوی) و اوج آن احضار یا اتفاقی غیرمعمول و نشانه‌ها و ویژگی‌های دیگر است. فیلم‌های قابل تأملی می‌سازند. در این ژانر به‌خوبی می‌توان رد هویت فرهنگی و قومی ملت‌ها را دنبال کرد. فیلم‌های ژانر وحشت فولکلور دارای ویژگی‌هایی هستند که در آن اسطوره‌ها و داستان‌های فولکلور نمود پیدا می‌کنند و مذهب و ویژگی‌های اقلیمی در پرورش ایده اصلی فیلمساز بسیار تأثیرگذارند. ترس‌ها و هراس‌های مردمان می‌تواند در طول تاریخ ثابت و یا متغیر باشند، بررسی و مطالعه این جنبه از وجوه انسانی می‌تواند باعث شناخت و بازیابی بهتر فرهنگ یک کشور شود.

با توجه به اطلاعات داده شده و بررسی محتوایی فیلم‌های «پوست» و «ساحره» می‌توان مشاهده کرد که عوامل تأثیرگذار در ژانر وحشت که استانداردی رایج در این ژانر هستند، در هر دو فیلم رعایت شده‌اند؛ اما نکته قابل تأمل توانایی کارگردان‌ها در استفاده از عناصر بومی در این دو فیلم است. در هیچ‌کدام از این دو فیلم هدف سازنده‌ها، ترساندن و ایجاد ترس مقطعی نبوده است، این دسته از فیلم‌ها با هدفی فراتر از فیلم‌های ترسناک ساخته می‌شوند. سرک کشیدن به ریشه‌های عمیق ترس‌های آدمیان در میان جوامع ساده و دورافتاده هدف این داستان‌ها و فیلم‌هاست. و آن‌ها از این ژانر به‌عنوان وسیله‌ای برای پرداختن هنری به اسطوره‌های ترس و وحشت که در میان مردم رواج

بروس، کوین. (۱۳۸۳)، *فرزندان نور* (بختی در مرزهای ژانری سینمای علمی تخیلی و وحشت)؛ ترجمه سعید خاموش، تهران: فارابی.

چری، بیرجید. (۱۳۹۷)، *ژانر وحشت؛ ترجمه شاهین رحمانی*، تهران: بیدگل.

خدایی، محمدحسن. (۱۴۰۰)، در پوست شیر شدن از برای مواجهه شدن با اهریمن، روزنامه اعتماد، شماره ۵۰۵۴.

<https://www.etemadnewspaper.ir/fa/main/detail/175353/%D8%AF%D8%B1-%D9%BE%D9%88%D8%B3%D8%AA-%D8%B4%D9%8A%D8%B1-%D8%B4%D8%AF%D9%86-%D8%A7%D8%B2-%D8%A8%D8%B1%D8%A7%D9%8A-%D9%85%D9%88%D8%A7%D8%AC%D9%87%D9%87-%D8%A8%D8%A7->

شهلا، رضا. (۱۳۹۱)، «تحلیل فیلم: سینمای خشونت؛ بررسی ژانر وحشت و خشونت در سینما»، نشریه رشد آموزش مشاور مدرسه، شماره ۲۸.

صادقی پور، محمدصادق. (۱۴۰۲)، *هیولای هستی، سفری با هایدگر در را سینمای ترس آگاهانه*، تهران: فقتوس.

صبری، مریم. (۱۳۹۳)، «عاشیق‌های آذربایجان در گذر تاریخ»، نشریه پژوهش‌های انسان‌شناسی ایران، دوره چهارم، شماره ۱.

عظیم بیک، فرزاد. (۱۳۹۹)، «ترس ابدی، وحشت تاریخی، درباره سینمای وحشت، فانتزی و ترسناک وایمار و فیلم‌های کمتر دیده شده‌ی این ژانر»، نشریه هنرنگار - شماره ۱.

سایت <https://dreamusic.ir/mark-korven-the-witch/>

۱-Keetley, Dawn. Heholt, Ruth. 2003. Folk Horror, New Global Pathways. University Of Wales Press.

۲-Kermode, Mark. 2016. The Witch review - original sin and folkloric terror. the guardian.

<https://www.theguardian.com/film/2016/mar/13/the-witch-film-review-robert-eggars>

۳-Pilkington, Cathy. 2023. BEWARE THE WOODS: AN INTRODUCTION TO FOLK HORROR.

blog.scienceandmediamuseum.org.uk

<https://blog.scienceandmediamuseum.org.uk/beware-the-woods-an-introduction-to-folkhorror/#:~:text=While%20many%20of%20the%20themes,%252C%20sacrifices%252C%20rituals%20and%20superstition.>

۴-Maison, Jordan. 2022. Everything there is to know about the folk horror genre.

<https://www.videomaker.com/>

<https://www.videomaker.com/how-to/directing/film-history/everything-there-is-to-know-about-the-folk-horror-genre/>

A study of the folk horror film genre by analyzing two films "Skin" from Iran and "Saher" from American and British cinema.

Abstract

Examining film works in various genres is one of the tools of cultural studies. Considering the cultural diversity and extent of cinema all over the world, the study of cinematic works from the point of view of new and new perspectives can lead to new approaches in the field of cultural and historical knowledge of a nation. Considering its sub-genres, horror cinema is one of the useful and thought-provoking sources in this field. One of these sub-genres is the folk horror cinema, which has received attention in recent years and thought-provoking works have been made in it. In this genre, it is possible to trace the cultural and ethnic identity of nations. Myths and folklore stories are crystallized in horror movies, and religion and climatic features are very influential in developing the main idea of the filmmaker. In recent years, thought-provoking films have been made in this genre, both in world cinema and in Iranian cinema. In this research, using the two films "Skin" directed by Bahman and Bahram Ark from Iranian cinema and the film "Saher" directed by Robert Eggers, we will introduce and examine the folk horror genre. In this research, we seek to answer these questions: What are the distinctive features of this genre of cinema and how does it appear in different cultures and countries? What cultural, historical and mythological elements and elements do the films made in this artistic movement represent? What are the similarities and differences between them? How can these elements be used in cultural and even social analyzes of societies? According to the results obtained in this research, this movie genre has a great potential for cultural and folklore studies, and by properly analyzing and examining the deep layers of these movies, new knowledge can be gained in the field of myths, religion and The old ideas and beliefs that are popular among the people of distant regions from the past and until today. This research has been done using library sources and analytical method and observation of cinematographic works.

Keywords: horror cinema, cultural study, folk horror genre, "Poust" movie, "Sahereh" movie.